



داریوس

میو

- ۲ -

## سبک و آثار

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

«داریوس میو» موسیقی را بهمان آسانی که نفس می کشد می نویسد. او در شمار آن آهنگسازانی نیست که مایه زندگی خود را در هر اثری که خلق میکنند میریزند. و در باورشان بوجود آوردن يك آهنگ جوشان و شکوفنده تلاشی از مرگ و زندگی است. و نه چنان آهنگسازی است که بر سر هر نوت و میزان برخورد رنجی دراز هموار کند و حاصل یکسال سخت کوشی را بشکل يك اثر بزرگ ارائه دهد.

«میو» موسیقی را همیشه می نویسد و با چنان راحتی و سهولتی که نمی توان بهیچ روی مخلوق فکروی را از مد و خروش باز داشت.

اوبه بیماریهای سنگینی مبتلا بوده است. در سالهای دو جنگ جهانی زیسته که دومین جنگ بر کندن علاقه وی از سرزمین مادری و روی آوردن او را به خانه‌ای نوین در کشوری نوین سبب گشته است. بارها به سفرهای دور و دراز رفته است و با آنکه اوضاع و احوال نامساعد غالباً تلاشهای وی را عقیم گذارده، هنوز پرکاری خود را در کار تصنیف فرو نگذاشته است. آثار او چنان وسیع و بی شمار است که فهرست کردن آنها بیهوده جلوه می‌کند. و کسی که کمر بدینکار بندد هر چند حق مطلب را بنیکی ادا کند، باز بیدرنگ بسبب آهنگ‌هایی که در خلال اشتغال او، بکمال گرائیده انداز مسیر کارهای تازه آهنگساز خارج می‌گردد. او در هر فرمی از موسیقی که امکان پذیر بوده است آهنگ نوشته و از سبکهای گوناگونی بهره برده است. آنچه بیش از همه شایان توجه است اینکه؛ داریوس میو آهنگسازی سطحی نیست. در موسیقی او، شتاب، بی‌توجهی و ظاهر پر آب و تاب را بهیچ روی نمی‌توان دید. آنچه «میو» می‌نویسد نموداری از کمال استادانه و پختگی فنی است. حتی هنگامی که می‌پذیرد که بیک کار مردم‌پسند دست زند آن را با چنان غنائی از خلاقیت موسیقی می‌آورد و چنان سحری از شخصیت خود در آن میدمد که از سطح یک اثر «عامی» گذشته و شکوهی هنرمندانه بگیرد. او همیشه براهی که خود برگزیده، رفته است. با چیره‌دستی شگفت‌انگیزی امروز سبکی را و فردا سبک دیگری در استخدام می‌گیرد و در هر مورد دبدی تازه‌تر از پیش بکار می‌بندد.

کارهایی بر روی زمینه‌های موسیقی عامیانه آمریکای لاتین، و جاز آمریکا بشمر رسانیده، موسیقی عبری را شناسانده و در زمینه تکنیک بخلق یک موسیقی مافون نو توفیق یافته است (میو را نمی‌توان بعنوان نخستین پلی‌تونالیست پیروزمند شناخت). برای یک کارمعیّن هر حالتی را که برگزیند آن را به جریان نیرومند و دلاویزی از «لیپیریسم» بدل می‌سازد. این «ملودی آفرینی» هم‌آهنگ با اندیشه منطقی و استوار احساس خود بخود و جوشنده آهنگساز، ویژگی‌هایی است که موسیقی وی را هم در خاطر آهنگسازان فن و هم آما توره‌های این هنر، دلپذیر و مطبوع طبع می‌سازد.

هنگامیکه جنگ جهانی دوم پایان گرفت داریوس میو که از آمریکا

به فرانسه بازگشت ، اما هنوز دیدارهای منظم او از کشوری که قریب به سیزده سال در آن رخت اقامت افکنده بود ادامه دارد .

اینک به تحلیلی از برجسته ترین کارهای «میو» آغاز می کنیم .

**گاو روی پشت بام** - لال بازی (پانتومیم) نمایش بدون بیان توأم با موسیقی است. در پاریس کافه مشهوری هست بنام «گاوروی پشت بام». گفته میشود که پانتومیم میو با توجه با اسم این کافه نامگذاری شده است ولی در واقع عکس این مدعا است که صحت دارد .

این نکته نیز قابل توجه تواند بود که متن یافشده این نمایش هنگامی برشته تحریر درآمد که میو موسیقی خود را تصنیف کرده بود. «ژان کوکتو» اثر را شنید . و چنان «امکانات صحنه ای» آهنگ ، وی را فریفت که مصمم شد یک پانتومیم فانتزی برای آن بنویسد. پانتومیم در ۲۱ فوریه ۱۹۲۰ در پاریس بروی صحنه آمد . «فراتلینی» روستا منش نقش اصلی را ایفا کرد و کار رهبری به «ولادیمیر گلش مان» سپرده شد. هر چند که دکوراسیون باله «میو» از یک «بار» غیر مجاز (قاچاق) امریکائی گرفته شده است و کاراکترهای آن نیز (که همه آنان ماسکهای سه برابر اندازه معمولی بکار می برند) از زندگی امریکائی تقلید شده است ، موسیقی آن ، جاز نیست ولی ریشه آن را می توان در موسیقی عامیانه «برزبل» یافت .

کافه «گاوروی پشت بام» یاد در اصطلاح انگلیسی (Nothing-Doing Bar) پرسرو صدا و شلوغ است و پراز انواع ناهماهنگ عجیب آدمها. یک بوکسور هیولای سیاه پوست که به سیگار گنده ای پک میزند . یک سیاه کوتوله ، یک شرط بند حرفه ای بالباس و ظاهر پر زرق و برق. یک زن باموهای کاغذی وزن دیگری با لباس و لنگار شب . در انتهای قمار، شیک پوش، شانه کوتوله را می چسبد و او را به سالن بلیاردی در همان نزدیکیها می برد، بوکسور بجای خانم دیگر بازی میکنند، ولی شرط بند حرفه ای بازی را از او می برد . پس از آنکه سر شرط بند به تانگو گرم می شود صدای سوت پلیس بگوش میرسد. از آنجا که نمایش دارای چنین محیطی است همه مشتریان بار آشفته و غیر

طبیعی اند. اما پس از برخاستن سوت پلیس، صاحب بار باخونسردی مشروبها را از نظر گاه بر میدارد. و ورقه ای را که روی آن نوشته شده است. « اینجا فقط شیر فروخته می شود » بر پیشخوان می آویزد. پلیس وارد می شود و به همه جا سرک می کشد و شیر را می چشید آنگاه او نیز برقصیدن آغاز میکند! هنگامیکه که پلیس گرم رقصیدن است، بادبزن دور گرد بر سرش می افتد و سر او را از گردن می کند. هرچند که مشتریان از این گونه وقایع مضطرب و آشفته اند باز لب بر از گومی نمی کشایند و خیانت نمی ورزند. کوتوله آهنکی عاشقانه می خواند و صاحب بار سر پلیس را به خانم شیک پوش که بر گرد آن در حال رقصیدن است هدیه می کند. سپس بازیگران اصلی از جمله بو کسور سیاه پوست که اکنون مستی از سرش پریده، از بار خارج می شوند وقتی کوتوله از پرداخت صورت حساب، خودداری می کند صاحب بار سر پلیس را دوباره بجایش می چسباند! با زنده شدن پلیس، کوتوله حساب خود را دو برابر می بردازد.

(دنباله دارد)

ترجمه اردشیر لطفعلیان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی